

سیر تطوّر حدیث
پر اساس
کتاب شناسی

محمد حسن ربّانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

۹	پیش‌گفتار
۹	تاریخ نگارش حدیث
۱۱	اهمیت حضرت فاطمه علیها السلام به کتابت حدیث
۱۲	روایات رسول خدا صلی الله علیه و آله در اهمیت کتابت
۱۲	اهمیت کتابت حدیث در گفتار ائمه علیهم السلام
۱۵	چهل حدیث
۱۷	معروفترین کتابهای اربعین علماء شیعه
۱۷	آیا کثرت روایت راوی دلیل وثاقت اوست؟
۲۰	حدیث در دوران امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام
۲۱	حدیث در عصر امام سجّاد علیه السلام
۲۷	حدیث در دوران صادقین علیهم السلام
۲۹	فصل اول: نکات مهم در حدیث شناسی
۲۹	تلخیص سند
۳۰	نقل حدیث به معنی
۳۳	آثار منفی نقل به معنی
۳۳	هر سخن معروفی حدیث نیست
۳۵	استناد حدیث به دیگری
۳۸	قرائت حدیث به گونه صحیح

۶. سیر تطوّر حدیث براساس کتاب‌شناسی

۳۸	لزوم مراجعه به منابع اولیه
۳۹	القاب معصومین علیهم‌السلام
۳۹	یادآوری
۴۲	اثر شناخت القاب ائمه علیهم‌السلام
۴۴	روش‌های گردآوری احادیث
۴۶	اهداف محدّثین از سفرهای علمی
۵۰	سفرهای شیخ صدوق
۵۴	قرائت حدیث بر استاد
۵۷	عرضه حدیث بر امام
۶۷	عرضه حدیث بر اصحاب ائمه علیهم‌السلام
۶۹	مشاهیر اصحاب حدیث
۶۹	اصحاب اجماع
۷۳	بنو فضال
۷۷	آل ابی شعبه
۷۸	آل أعین
۷۹	آل ابی نعیم
۸۰	خاندان برقی

□ فصل دوم: کتب اصلی روایی شیعه و شروح آن

۹۰	دوران طلایی نگارش حدیث
۹۳	حدیث در عصر غیبت صغری و آغاز کبری
۹۶	خصوصیات کافی
۱۰۹	من لا یحضره الفقیه
۱۱۰	خاندان بابویه قمی

فهرست مطالب.....	۷
من لا يحضره الفقيه.....	۱۱۷
صدوق و روایات من لا يحضره الفقيه.....	۱۱۸
ارزش احادیث من لا يحضره الفقيه.....	۱۱۹
سبک‌شناسی در کتب اربعه.....	۱۲۵
شروح و حواشی من لا يحضره الفقيه.....	۱۲۹
تهذیب الأحکام والاستبصار.....	۱۳۱
تهذیب الأحکام.....	۱۳۲
روایات تهذیب الاحکام.....	۱۳۴
شروح تهذیب الاحکام.....	۱۳۴
حواشی تهذیب الاحکام.....	۱۳۵
تصحیف در تهذیب الاحکام.....	۱۳۶
تقدّم کافی بر سایر کتب.....	۱۳۷
الأمالی.....	۱۳۹
سیر نگارش سائر کتابهای حدیثی.....	۱۴۰
کتابهای حدیثی در دوره غیبت صغری.....	۱۴۲
حدیث در قرن ششم.....	۱۶۳
حدیث در قرن هشتم.....	۱۷۲
حدیث در قرن دهم.....	۱۸۶
علل کم توجهی به حدیث پس از عصر شیخ طوسی.....	۱۹۶
حدیث در قرن یازدهم و دوازدهم.....	۲۰۴
روش‌های تدوین کتب حدیث.....	۲۵۸
معجم نگاری شیعه.....	۲۶۷
حرکت‌های سوء علیه حدیث.....	۲۶۸

۸. سیر تطوّر حدیث براساس کتاب‌شناسی

منع تدوین حدیث..... ۲۷۲

تحلیل احادیث..... ۲۸۱

ارسال آسناد روایات..... ۲۸۳

وضع حدیث..... ۲۹۶

تحریف در روایات..... ۳۰۶

تأویل‌های نادرست از روایات..... ۳۱۱

پدیده تصحیف..... ۳۱۷

انحراف پاره‌ای از راویان..... ۳۲۳

گفتار اول: کتب معروف اهل سنت..... ۳۴۲

گفتار دوم: مجموعه‌های دیگر حدیثی اهل سنت..... ۳۵۷

کتابنامه..... ۳۷۳ □

پیش‌گفتار

تاریخ نگارش حدیث

اگر تعریف شیعه و سنی را بپذیریم که حدیث عبارت است از قول یا فعل و یا تقریر معصوم، نامه‌های رسول خدا ﷺ، اولین احادیث مکتوب به شمار می‌آید، زیرا براساس تعریف ذکر شده، مکاتبات نیز در زمره احادیث می‌باشد و رسول خدا ﷺ برای بیان اصول و قوانین دین خود از نگارش نامه کمک می‌گرفت، گرچه افرادی به عنوان کاتب وحی، به کتابت قرآن کریم می‌پرداختند اما نویسندگانی مانند علی بن ابی طالب علیه السلام نیز در کنار حضرت بودند که فرمان‌های او را بر کاغذ مکتوب می‌کردند.

ما معتقدیم که رسول خدا ﷺ با دستور نگارش نامه‌ها، باعث ایجاد و بقای حدیث شدند؛ حضرت در ارسال پیام‌های خود بر مطالب شفاهی اکتفا نکرد؛ بلکه با نگارش و ارسال نامه‌ها و احکام و فرامین بسیاری، در حفظ مطالبی که امروزه حدیث نامیده می‌شود، کوشید و تبلیغ رسالت خویش را به کاغذ سپرد؛ تا چیزی از آن کاسته نشده و چیزی بر آن افزوده نگردد.

رسول خدا ﷺ، با نگارش و مکتوب نمودن احکام و ارسال نامه‌ها، درسی به دیگران داد. نامه‌های حضرت برای شخصیت‌های برجسته؛ در تاریخ ضبط و به دست ما رسیده است؛ بعضی از دانشمندان نامه‌های رسول خدا ﷺ را گردآورده‌اند؛ مانند:

۱. استاد آیه الله احمدی میانجی، در «مکاتیب الرسول».

۲. پرفسور محمد حمیدالدین در کتاب «الوثائق السیاسیّة».

۳. دکتر مصطفی شکعه در مجموعه‌ای با عنوان «البيان المحمدی».

علامه سیّد حسن صدر، در کتاب تأسیس الشیعة فصلی را در کتابت حدیث در میان شیعیان اختصاص داده و نوشته است: «اولین کاتب حدیث، امیرالمؤمنین علیه السلام است که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر او املاء می‌کرد و او می‌نگاشت. این کتاب در نزد ائمّه اطهار علیهم السلام موجود بوده^۱ و از جمله امام باقر علیه السلام آن را به حکم بن عتیبه معرفی کرده است.»؛ سپس علامه صدر می‌افزاید:

«عن عذافر الصیرفی قال كنت مع الحكم بن عتیبة عند أبي جعفر محمد بن علي الباقر علیه السلام فجعل يسأله وكان أبو جعفر له مكرها (مكرما نجاشي) فاختلفنا (فاختلفا) في شيء. فقال أبو جعفر: يا بني قم فأخرج كتاب علي. فأخرج كتاباً مدرّجاً (مدرّجاً) عظيماً، ففتحه وجعل ينظر حتى أخرج المسألة. فقال: أبو جعفر هذا خطّ علي واملاء رسول الله صلی الله علیه و آله وأقبل على الحكم وقال: يا أبا محمد اذهب أنت وسلمة و (أبو) المقدام حيث شئتم يميناً وشمالاً فوالله لا تجدون العلم أوثق منه عند قوم كان ينزل عليهم جبرائيل.»^۲

عذافر صیرفی می‌گوید: «من با حکم بن عینه (عتیبه) در نزد ابوجعفر امام باقر علیه السلام بودم، حکم از امام علیه السلام سؤال کرد ولی ابوجعفر علیه السلام نسبت به او کراهت داشت، من و حکم در یک چیزی اختلاف کردیم. امام باقر علیه السلام فرمود: پسر! برخیز و کتاب علی علیه السلام را بیاور؛ فرزند ایشان کتاب بزرگی را آورد و آن را گشود. حضرت به آن نگاه می‌کرد تا مسأله‌ای را از آن استخراج کرد. امام باقر علیه السلام فرمود: این خط علی بن

۱. تأسیس الشیعه ص ۲۷۴.

۲. مقدّمه الکافی ۴/۱ به قلم دکتر حسین علی محفوظ و رجال نجاشی، ص ۹۶۶/۳۶۰.

ابی طالب علیه السلام با املای رسول خدا صلی الله علیه و آله است. امام به حکم فرمود: ای ابا محمد تو و سلمه و ابو مقدام هر جا بروید؛ به طرف راست یا چپ، علم واقعی را نمی‌یابید مگر در نزد قومی که جبرئیل بر آن‌ها نازل می‌شده است.»
این روایت، دلالت دارد که کتابت حدیث در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله وجود داشته است.

در جوامع روایی معتبر شیعه، روایات متعددی هست که در آن‌ها اشاره به کتاب علی علیه السلام شده است، از جمله در کافی ۴۸ حدیث، در التّهذیب ۵۴ حدیث، در من لایحضره الفقیه ۱۰ حدیث و در الاستبصار ۲۱ حدیث از این کتاب شریف نام برده‌اند و این کتاب یکی از مصادر علم ائمه علیهم السلام شمرده می‌شود.

اهمیت حضرت فاطمه علیها السلام به کتابت حدیث

دکتر حسین علی محفوظ از کتاب دلائل الامامه ابو جعفر محمد بن جریر بن رستم طبری نقل می‌کند:

«جاء رجل إلى فاطمة علیها السلام فقال: يا ابنة رسول الله هل ترك رسول الله صلی الله علیه و آله عندك شيئاً تطرفينه؟ فقالت: يا جارية هات تلك الجريدة، فطلبتها فلم تجدها فقالت: ويحك أطلبها فإنها تعدل عندي حسناً وحسيناً فطلبتها فإذا هي قد قممتها في قمامتها فإذا هي فيها، قال النبي صلی الله علیه و آله: ليس من المؤمنين من لم يأمن جاره بوائقه^۱ ومن كان يؤمن بالله واليوم الآخر فلا يؤذ جاره ومن كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليقل خيراً أو يسكت إن الله يحب الخير الحليم المتعفف ويبغض الفاحش الضنين السائل الملحف، إن الحياء من الإيمان والإيمان في الجنة، وإن الفحش من البذاء والبذاء في النار.»^۲

۱. بدی‌ها و شرور.

۲. مقدمه اصول کافی ج ۱ ص ۶؛ سفینه البحار ج ۱ ص ۲۳۱ طبع حجرى، و ج ۱ ص ۵۵۵ (چاپ بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی)؛ و مستدرک الوسائل ج ۱۲ ص ۸۰ و دلائل الامامه، ص ۱.

روایات رسول خدا ﷺ در اهمیت کتابت

برخی از روایات از رسول خدا ﷺ دلالت بر اهمیت کتابت حدیث می‌کند و روایاتی نقل شده که به صحابه توصیه نموده‌اند حدیث را نگاشته و آن را حفظ کنند. از جمله این روایت مورد اتفاق شیعه و سنی است که رسول خدا ﷺ فرمود: «قیدوا العلم بالكتابة»^۱ این حدیث، به وضوح و روشنی می‌رساند که علم باید زنجیر شود زیرا «قیدوا» از ماده «قید» به معنای بند یا همان طنابی است که حیوان شرور و فراری را با آن می‌بندند. در معجم الوسیط «قاد» و «قید» به یک معنی آمده، «قاده» و «قیده» یعنی در پای او قید قرار داد؛ ناقة مقیده؛ یعنی شتری که بسته شده است.^۲

مرحوم رضی الدین موسوی (۴۰۶ ه‍.ق) در کتاب خواندنی المجازات النبویّة، - که به توضیح احادیثی دارای معانی مجازی پرداخته است - در شرح این روایت آورده است که علم، به حیوان فراری تشبیه شده، و باید آن را در بند کشید؛ به بند کشیدن علم یعنی اثبات و ضبط آن؛ یعنی اگر علم را ثبت نکنید، مانند حیوان فرار می‌کند. ثبت و ضبط اگر «بالکتاب» باشد؛ کتاب به معنای مکتوب است یعنی با نوشته آن را حفظ کنید، و اگر «كتابة» باشد، كتابة، مصدر است یعنی با نوشتن از آن محافظت کنید.

اهمیت کتابت حدیث در گفتار ائمّه علیهم‌السلام

محمد بن یعقوب کلینی (۳۲۸ ه‍.ق) در کتاب کافی، بابی با عنوان «روایة الکتب والحديث وفضل الكتابة والتمسك بالکتب» گشوده و در آن روایاتی در اهمیت ضبط حدیث آورده است. علامه مجلسی (۱۱۱۱ ه‍.ق) نیز در بحارالانوار جلد دوم بابی

۱. بحارالأنوار، ج ۵۸، ص ۱۲۴ و ج ۷۴، ص ۱۴۱، تحف العقول، ص ۳۶ و منیة المرید ص ۳۶ و ص ۲۶۷ و ص ۳۴۰.

۲. المعجم الوسیط، ص ۷۶۷.

گشوده و ۴۷ حدیث در اهمیت حفظ و کتابت حدیث آورده است که ما در این جا به چند حدیث اشاره می‌کنیم:

۱. شیخ صدوق در کتاب «أمالی» از رسول خدا ﷺ روایت کرده است: «قال رسول الله ﷺ: المؤمن إذا مات وترك ورقة واحدة عليها علم تكون تلك الورقة يوم القيامة سترأ فيما بينه وبين النار وأعطاه الله تبارك وتعالى بكل حرف مكتوب عليها مدينة أوسع من الدنيا سبع مرّات»^۱

رسول خدا ﷺ فرمود: مؤمن زمانی که بمیرد و یک ورقه و برگه‌ای از خود برجای گذارد که در آن دانش ثبت شده باشد، آن ورقه در روز قیامت حجابی بین او و جهنم خواهد بود؛ و خدای متعال در مقابل هر حرف نوشته شده در آن برگه، شهری هفت برابر وسیع‌تر از دنیا به او عنایت خواهد کرد.

۲. در عوالی اللئالی روایت شده است: «قلت: يا رسول الله ﷺ أقيّد العلم؟ قال: نعم، وقيل: ما تقييده! قال: كتابته.»^۲ عبدالله بن عمر می‌گوید: «گفتم، ای رسول خدا ﷺ، علم را ضبط کنم؟ رسول خدا فرمود: بلی، سؤال شد: ضبط علم به چیست، پیامبر ﷺ فرمود به نوشتن آن.

۳. ابن ابی جمهور احسائی نیز روایت می‌کند: «عن عمرو بن شعيب، عن أبيه، عن جدّه قال: قلت: يا رسول الله ﷺ أكتب كلما أسمع منك؟ قال: نعم. قلت: في الرضا والغضب؟ قال: نعم فأني لا أقول في ذلك كلّهُ إلّا الحقّ.»^۳

راوی می‌گوید گفتم: ای رسول خدا آنچه را که از شما می‌شنوم بنویسم؟

۱. بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۹۸ و ج ۲، ص ۱۴۴؛ وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۹۵؛ أمالی صدوق، ج ۳۷، الدعوات، ص ۲۷۵؛ روضة الواعظین، ج ۱، ص ۸ و منية المريد، ص ۳۴۱.

۲. بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۴۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۸۸ و عوالی اللالی، ج ۱، ص ۶۸.

۳. بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۴۷ و عوالی اللالی، ج ۱، ص ۶۸.

رسول خدا فرمود: بلی، گفتم: در حالت رضا و غضب! رسول خدا فرمود: بلی، چون من غیر از سخن حق نمی‌گویم.

۴. «روی السید بن طاووس فی کشف المحجّة باسناده إلى أبي جعفر الطوسي، باسناده إلى محمد بن الحسن بن الوليد من كتاب الجامع باسناده إلى المفضل بن عمر قال: «قال أبو عبد الله عليه السلام: اكتب وبتّ علمك في اخوانك فإنّ ميت فورث كتبك بنيك فإنّه يأتي على الناس زمان هرج ما يأنسون فيه إلّا بكتبهم»»^۱

علم خود را بنویس و آنرا در بین برادرانت منتشر ساز، چون زمانی خواهد رسید که مردم در آن انس نمی‌گیرند مگر به کتاب‌های حدیث.

۵. شهید ثانی زین الدین جبل عاملی (۹۱۱-۹۶۵ ه‍.ق) در کتاب «منية المرید» نقل

می‌کند: «روی عن النبي ﷺ قیدوا العلم قیل: و ما تقيده؟ قال: کتابته»^۲

۶. «روی إنّ رجلاً من الأنصار كان يجلس إلى النبي ﷺ فيسمع منه الحديث فيعجبه ولا يحفظه، فشكا ذلك إلى النبي ﷺ فقال له رسول الله ﷺ استعن بيمينك وأوماً بيده أي خطّ»^۳

روایت شده که مردی از انصار در مجلس رسول خدا ﷺ حاضر می‌شد و از ایشان حدیث می‌شنید و لذت می‌برد و خوشش می‌آمد ولی آن‌ها را حفظ نمی‌کرد. او از ناتوانی‌اش در حفظ احادیث به رسول خدا ﷺ شکایت کرد؛ رسول خدا فرمود: از دستت کمک بگیر، و اشاره به دستش نمود، یعنی بنویس.

۷. عن أبي بصير، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام: «اكتبوا، فإنكم لا تحفظون حتّى

۱. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۵۰؛ وسائل الشيعة، ج ۲۷، ص ۸۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۹۲؛ مشکاة الأنوار، ج ۱۴۲ و منية المرید ص ۳۴۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۵۲ و منية المرید، ص ۲۶۷ و ۳۴۰.

۳. همان.

تکتبوا»^۱ یعنی: بنویسید و تا ننویسید نمی‌توانید حفظ کنید.

۸. عن أبي عبد الله عليه السلام: «القلب يتكل على الكتابة»^۲ یعنی قلب با نوشتن آرام می‌گیرد.

چهل حدیث

از رسول خدا ﷺ به تواتر لفظی روایت شده است: «من حفظ أربعين حديثاً بعثه الله يوم القيامة عالماً فقيهاً»^۳ کسی که چهل حدیث را حفظ کند، خدای متعال در روز قیامت او را عالم فقیه مبعوث می‌کند. علمای شیعه و سنی برای این حدیث ادعای تواتر کرده‌اند. علامه محمد باقر مجلسی (۱۱۱۱ هـ) در کتاب بحارالانوار^۴ بابی گشوده و در آن ده روایت از پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام نقل نموده و در شرح آن احادیث آورده است: «این مضمون، مشهور و مستفیض بین خاصه و عامه است، بلکه گفته شده که متواتر است و در این که مراد از حفظ، چه چیزی است، اختلاف است؛ برخی گفته‌اند: مراد حفظ ذهنی است چون در آن زمان از حفظ همین مفهوم فهمیده می‌شد، نه نگارش در دفترها؛ برخی دیگر گفته‌اند که مراد حفظ حدیث و ضایع نشدن آن است که اعم از حفظ در قلب و نوشتن است»^۵.

۱. بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۵۲؛ منیة المرید ص ۳۴۰؛ وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۸۱ و ص ۳۲۳ و الکافی، ج ۱، ص ۵۲.

۲. همان.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۴۹؛ وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۷۹؛ بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۵۳، الاختصاص، ص ۲ و امالی صدوق، ص ۳۰۶.

۴. بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۵۶؛ مرآة العقول، ج ۱، ص و الاربعین، شیخ بهائی، ص ۷ تحقیق عقیقی بخشایشی.

۵. به نظر می‌رسد که در این حدیث هدف نوشتن، حفظ کردن و یاد گرفتن به تنهایی نیست، بلکه هدف اصلی در این حدیث همه این موارد است و منظور این است که مردم تشویق به فراگیری علم و دانش

شیخ بهاء الدین عاملی (۱۰۳۰ هـ) در کتاب الاربعین اولین حدیثی را که شرح داده، همین حدیث است و نوشته است: «دلالة این حدیث بر حجّیت خبر واحد مثل آیه شریفه نفر^۱ است.» شیخ انصاری آورده است که منظور شیخ آن است که دلالت آن روشن نیست ولی ظاهراً مراد شیخ بهائی عکس این مطلب است، یعنی همانطور که آیه شریفه نفر بر حجّیت خبر واحد دلالت دارد، این حدیث نیز بر حجّیت خبر واحد دلالت دارد.^۲

این حدیث باعث شد تا کتابهای زیادی با عنوان الاربعین یا چهل حدیث نوشته شود. آقا بزرگ تهرانی در الذریعه، ۸۶ کتاب را با عنوان الاربعین نام برده است.^۳ کاتب چلبی در کشف الظنون نیز ۵۹ کتاب را ذکر کرده است.^۴ یکی از بهترین کتابهای الاربعین، کتابی است از دنبلی خوئی صاحب ملخص المقال که بسیار ارزشمند، دقیق و استادانه به شرح چهل حدیث پرداخته است. دهرسخی نیز در کتاب ایضاح الطریقه إلى تصانیف اهل السنة والشیعه فهرستی ارائه و نام ۴۹۰ کتاب را ذکر کرده است.^۵ استاد رفاعی نیز در کتاب معجم ما کتب عن الرسول واهل بیته در جلد ۱۰ و ۱۲ برخی از کتاب‌های «الاربعین» را نام برده است.^۶

قدیمی‌ترین کتاب اربعین متعلق به ابومحمد عبدالرحمن بن احمد بن الحسین بن

⇒ شده و تلاش کنند که با مغز و ذهن خود کار کنند و کار مداوم با مغز موجب کارکرد گسترده و فرایند ذهنی می‌شود و همین حالت باعث می‌شود که انسان بتواند فکر کند و تدبیر نماید و این هدفی است که در قرآن مردم به آن ترغیب می‌شوند و تفکر و تدبیر فرق اساسی میان انسان و حیوان است.

۱. برائه / ۱۱۱، الاربعین ص ۷.

۲. الاربعون حدیثاً ص ۷۱، فرائد الاصول ج ۱ ص ۲۸۶ و ص ۳۰۷ (مجمع الفكر الاسلامی).

۳. الذریعه، ج ۱، ص ۴۰۹-۴۲۴.

۴. کشف الظنون، ج ۱، ص ۵۲ و ۵۹.

۵. ایضاح الطریقه، ص ۷۹ و ۸۴.

۶. معجم ما کتب عن الرسول واهل بیته، ج ۱۰، ص ۲۰۶ و ج ۱۲، ص ۵۰۰.

احمد نیشابوری خزاعی (زنده در ۴۷۶هـ) از شاگردان شیخ طوسی است. از جمله، جالب‌ترین حدیثی که از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است، روایتی است که مشتمل بر چهل موعظه است.^۱ آن حدیث به عنوان الأربعین مورد توجه بوده و برخی از جمله سید محمد حسین جلالی، شرحی بر آن نوشته است.

معروف‌ترین کتابهای اربعین علمای شیعه

۱. اربعین شیخ بهائی (۱۰۳۰ هـ ق) که دو تصحیح و دو ترجمه دارد. تصحیح اول توسط دفتر نشر اسلامی و تصحیح دوم به وسیله مرحوم بخشایشی انجام گرفته است. این اثر به وسیله آقایان خاتون آبادی و بخشایشی ترجمه شده است.
 ۲. الاربعین علامه محمد باقر مجلسی.
 ۳. الاربعین شهید اول که توسط بنیاد پژوهش‌های آستان قدس به چاپ رسیده است.
 ۴. امام خمینی رحمته الله علیه نیز کتابی با عنوان چهل حدیث دارد که در آن به شرح چهل حدیث پرداخته است.
 ۵. حجة الاسلام رسولی محلاتی نیز اخیراً چهل حدیث را در چهار جلد منتشر کرده است.
- کلمه اربعین از خصوصیات خاصی برخوردار است و در قرآن و حدیث در موارد مختلفی استعمال شده است. با مراجعه به معجم بحار الانوار و سفینه البحار محدث قمی، به راحتی می‌توان به برخی از این احادیث دست یافت.

آیا کثرت روایت راوی دلیل وثاقت اوست؟

شیخ کلینی (۳۲۸ هـ ق) در کتاب شریف کافی چنین روایت کرده است:
«محمد بن الحسن، عن سهل بن زیاد، عن ابن سنان، عن محمد بن مروان

۱. النخال ص ۵۴۳؛ التدوین ج ۳ و ص ۳۷۲ و بحار الانوار، ج ۲ ص ۱۵۴.

العجلی، عن علي بن حنظلة قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: «اعرفوا منازل الناس على قدر روايتهم عنّا»^۱ میزان ارزش و جایگاه مردم، به اندازه روایت آن‌ها از ماست. محمد بن عمر کثی نیز در مقدمه کتاب رجال خود، سه حدیث دیگر به همین مضمون نقل کرده است.^۲

علمای علم رجال از مجموعه این روایات یک قانون رجالی را استخراج کرده و گفته‌اند: «کثرت روایت یک راوی، یکی از دلایل وثاقت آن راوی است.» از امام خمینی ره (۱۴۱۰ ه‍.ق) نقل شده که در یکی از جلسه‌های درس خود گفته‌اند: «اگر از روایات سهل بن زیاد و محمد بن سنان صرف نظر کنیم چیزی از فقه باقی نمی‌ماند.»

از قدیم در کتاب‌های رجالی، برخی از راویان را توصیف به کثرت روایت کرده‌اند. اولین فقیهی که به این قانون رجالی توجه کرده محقق حلّی (۶۷۵ ه‍.ق) است که در کتاب نکت النهایة بحث عتق، روایتی را نقل می‌کند که در سند آن اسماعیل بن زیاد سکونی وجود دارد، آنگاه می‌گوید: «وإذا كان مجرد كثرة الرواية عنه يوجب العمل بروايته بل ومن شواهد الوثاقة فما نحن فيه بطريق أولى.» همین مطلب را در «رسالة عزيزة» نیز به این صورت آورده است که مجرد کثرت روایت راوی دلیل وثاقت او شمرده می‌شود.

علامه عبدالله مامقانی (۱۲۹۰ - ۱۳۵۱ ه‍.ق) با تأیید این قاعده می‌گوید: «اولاً این خبر بر قرب و منزلت افراد کثیر الروایة در نزد ائمه علیهم السلام دلالت دارد، و ثانیاً این که این افراد جستجوگر در نقل روایات بوده‌اند، و ثالثاً از نهایت تدبّر این افراد خبر می‌دهد.»

۱. الکافی، ج ۱، ص ۵۰، اختیار معرفة الرجال ص ۳، رسائل ج ۱ ص ۱۴۳.

۲. اختیار معرفة الرجال ص ۳.

ضمناً کلمه «قدر» که در دو روایت آمده است دلالت بر اندازه و مقدار می‌کند. «قدر» مصدر ثلاثی مجرد است و «تقدیر» مصدر ثلاثی مزید که در معنا با هم مشترکند. احمد بن علی فیومی (۷۷۰ هـ.ق) می‌گوید: «قَدَرْتُ الشَّيْءَ قَدْرًا» از باب ضرب و قتل و «قَدَرْتَهُ تَقْدِيرًا» به یک معنی است.^۱

«و تقدیر المعیشه» نیز در حدیث معروف امام باقر علیه السلام به معنای اندازه‌گیری کمی؛ و مقدار است.

در معجم الوسیط نیز آمده است که: «الْقَدْر: المقدار».^۲

روایت حماد مروزی دلالت بر منزلت و کیفیت می‌کند. زیرا امام علیه السلام فرمود:

«اعرفوا منازل شیعتنا بقدر ما یحسنون من روایاتهم عَنَّا»؛ منزلت شیعیان ما را به اندازه آنچه احادیث ما نیکو می‌شمارند بشناسید.

البته روایت «کیف» با روایات «کم» تعارض ندارد، زیرا ممکن است ما به مضمون هر دو مطلب عمل کنیم. به هر حال کثرت روایت راوی و حسن فهم او از نشانه‌های مدح راوی به شمار می‌رود.^۳

مخفی نماند که برخی از فقها مثل آیه الله خوئی، در سند این روایات خدشه کرده و گفته‌اند برخی از آن روایات مرسله و در سند بعضی نیز محمد بن سنان وجود دارد، که ضعیف است.^۴

در جواب این افراد می‌توان گفت که این دو نکته نمی‌تواند باعث ضعف روایت شود. زیرا این روایات همان‌طور که شیخ انصاری فرموده است مستفیض هستند

۱. المصباح المنیر، ص ۴۹۲.

۲. المعجم الوسیط، ص ۷۱۸.

۳. مقباس الهدایة، ج ۱، ص ۲۷۰.

۴. معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۷۸ و ج ۱۵ ص ۲۸ و ج ۱۶ ص ۱۳۸ و ج ۲۲ ص ۱۸۶.

و استفاضه از اسباب قوّت صدور روایت از معصوم است و ملاک در نزد ما نیز صدور خبر از معصوم می‌باشد.

مرحوم آیه الله میلانی در کتاب الزکاة^۱ در ذیل مسأله‌ای می‌گوید که این روایات از نظر سند ضعیف هستند ولی چون از دو روایت بیشترند، مستفیض شده‌اند و می‌توان بر آن روایات اعتماد نمود، و محمّد بن سنان نیز نزد ما ثقة است، همانطور که مرحوم محمّد باقر میرداماد (۱۰۴۰ هـ) در ذیل همان حدیث در تعلیقه خود بر کتاب کشی تصریح کرده که علامه حلّی در مختلف الشیعه و منتهی المطلب، روایت او را صحیح دانسته است، هرچند در خلاصه الأقوال توقف کرده است، ولی به هر حال محمّد بن سنان از راویان ثقة است و در جای خود دلیل بر وثاقت او اقامه شده است.

حدیث در دوران امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام

در زمان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، راویانی دارای کتاب بوده‌اند، که به دو تن از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- سلیم بن قیس هلالی:

از اصحاب امیرالمؤمنین علی علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیهم السلام شمرده شده است، و کتابی نیز به او نسبت داده می‌شود، که به کتاب سلیم معروف است.^۲

۲- أصبغ بن نباته:

علمای شیعه و سنی، در کتاب‌های تراجم خود شرح حال اصبغ بن نباته را

۱. الزکاة، ج ۱، ص ۴۱.

۲. منتهی المقال، ج ۳، ص ۳۷۶؛ اصول علم الرجال، ص ۲۷۸؛ قاموس الرجال، ج ۵، ص ۲۲۷؛ اختیار معرفة الرجال، ص ۱۰۴؛ الغیبة (نعمانی)، ص ۶۱؛ الفهرست، ابن الندیم، ص ۳۰۷؛ بحار الانوار، ج ۱، ص ۷۷؛ مصنفات المفید، ج ۵؛ تصحیح الاعتقاد، ص ۱۴۹؛ مجمع الرجال، ج ۳، ص ۱۵۶؛ الاختصاص، ۳.

نوشته‌اند؛ از جمله شهاب الدین بن احمد بن حجر عسقلانی (۸۵۲ ه‍.ق)، ترجمه او را در تهذیب التهذیب آورده است.^۱

او از ابن حبان در «الضعفا» نقل کرده است: «فتن بحبّ علیّ علیه السلام فأتی بالطّامات فاستحقّ الترك.» سپس عبارات علمای رجال را درباره او ذکر می‌کند. ذهبی (۷۴۸ ه‍.ق) نیز در میزان الاعتدال حدیثی از او نقل می‌کند:

«عن علیّ بن حَزُور، عن الأصْبَغ بن نباتة، عن أبي أيوب، عن النبي ﷺ أَنَّهُ أَمَرَنَا بِقِتَالِ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ، قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَعَ مَنْ؟ قَالَ: مَعَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.»^۲

اصبغ بن نباته در کتاب‌های رجالی شیعه ستوده شده است. نجاشی (۴۵۰ ه‍.ق) و شیخ طوسی (۴۶۰ ه‍.ق) از طریق او نقل کرده‌اند.^۳ عهد نامه مالک اشتر نیز از طریق او نقل شده است؛ و آنچه اکنون در دست ماست همان نسخه‌ای است که توسط اصبغ بن نباته نگاشته شده است.

حدیث در عصر امام سجّاد علیه السلام

به علّت اختناق بسیار شدید در عصر امام سجّاد علیه السلام، برای حضرت مقدور نبوده تا مجلس درس و بحثی داشته باشند، ولذا امام علیه السلام از طریق دعا به بیان حقائق می‌پرداختند. دعا، گونه‌ای از حدیث است که ائمه ما اصرار بر کتابت دعا و عدم دخل و تصرف در آن داشتند. نقل کرده‌اند شخصی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: «دعائی به من تعلیم فرمایید.» امام صادق علیه السلام فرمود: «یا مقلّب القلوب ثبّت قلبی علی دینک...»

۱. تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۲۸۷.

۲. میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۴۳۶.

۳. رجال نجاشی، ص ۵/۸؛ خلاصة الرجال، ص ۹/۲۴؛ الفهرست، ص ۱۱۹/۳۷؛ منتهی المقال، ج ۲، ص ۱۰۲.

او گفت: «اجازه دهید دعا را بر شما بخوانم.» و خواند: «یا مقلب القلوب والأبصار»، امام فرمود: «دعا را همان‌گونه که ما می‌گوئیم بخوانید، خدای متعال مقلب قلوب و ابصار است ولی همان‌گونه که ما می‌گوییم تکرار کنید.»^۱

در مقدمه و سند صحیفه سجّادیه، حدیثی نقل شده که دلالت دارد ادعیه امام سجّاد علیه السلام توسط زید بن علی بن ابی طالب کتابت می‌شده است.^۲ در مقدمه آن کتاب، با سند متصل از عمر بن متوکل بن هارون نقل شده است:

از پدرم شنیدم که می‌گفت: «یحیی بن زید بن علی را پس از کشته شدن پدرش هنگامی که به خراسان می‌رفت ملاقات کردم و به او سلام نمودم.» فرمود: «از کجا می‌آیی؟» گفتم: «از حجّ.» آنگاه از حال خویشان و عموزادگان خود در مدینه پرسید؛ و از حال امام صادق علیه السلام بسیار پرسش نمود؛ من او را از حال آن حضرت و اندوهشان بر کشته شدن پدرش زید بن علی با خبر ساختم. سپس گفت: «عمویم محمد بن علی باقر علیه السلام پدرم را به جنگ نکردن امر فرمود و پند و اندرز داد و او را آگاه نمود.»^۳

رساله حقوق امام زین العابدین علیه السلام

این رساله شامل مجموعه حقوق افراد بر یکدیگر می‌باشد که توسط امام سجّاد علیه السلام بیان شده است. این رساله یکی از انسانی‌ترین حقوقی است که در نوع خود وجود دارد و در آن به مسایلی توجه شده که در دنیای جدید، هنوز هم آن موارد مورد غفلت می‌باشد. از قدیمی‌ترین منابعی که این رساله در آن آمده است می‌توان از کتاب خصال شیخ صدوق (۳۸۱ هـ)، به طور مسند و تحف العقول ابن شعبه حرّانی، معاصر صدوق نام برد. البته ابن شعبه حرّانی آن را به صورت مرسله آورده است.

۱. مجمع النورین، ابوالحسن مرندی، ص ۳۴۴؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۵۳.

۲. شرح صحیفه سجّادیه، ج ۱، ص ۵۳.

۳. همان.

مسند زید بن علی به وسیله عبد العزیز بن اسحاق بغدادی جمع‌آوری شده است، و آن را از ابو خالد واسطی روایت کرده است که او از زید نقل کرده است. این مسند در سال ۱۳۴۰ هجری قمری در مصر مطبوعه المعارف العلمیه چاپ شده است.

مرحوم آقا بزرگ طهرانی در الذریعه می‌فرماید: المسند که در مصر چاپ شده است مقدمه‌ای دارد که این مقدمه خود دارای سه فصل است، و در ویژگی‌های این مسند که نام دیگرش المجموع الفقهی است، و نام دیگرش المجموع الحدیثی - چون فقط احادیث را آورده است - برخی کتاب‌های اهل بیت علیهم‌السلام را هم نام برده و این مقدمه که حدود ۴۴ صفحه است در همان چاپ مصر که دارالکتب العلمیه در بیروت آن را اُفست کرده است، به قلم شیخ عبد الواسع الواسعی است که طریق خود و استاد خود به این مسند را هم آورده است. و همین مصحح و نویسنده مقدمه است که کتاب المسند را به صورت باب تبویب کرده است که اولین باب آن، باب الذکر است^۱.

مصحح چند سؤال هم به صورت استفتاء از مفتیان الازهر از جمله شیخ سلیم البشیری شیخ الجامع الازهر درباره امام زید و زیدیه کرده است، که در نهایت مقصود از دو صفحه پاسخ مفتی، آن است که امام زید و زیدیه غیر از شیعه هستند که سنی‌ها آنها را رافضی می‌نامند.

زید بن علی بن الحسین را از کبار اهل سنت می‌شمارند، و او را از اهل بیت می‌دانند، و شیعه امامیه را رافضی و دور از مکتب اهل بیت می‌دانند. این تحلیل دو مفتی بزرگ مصر است.

شیخ مفید در الارشاد فرموده است: زید بن علی در چهل و دو سالگی قیام کرد. و در سال ۱۲۱ هجری قمری به شهادت رسید. او دعوت به رضای آل محمد

۱. الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۲۱، ص ۲۶، مقدمه المسند.

می‌نمود، برخی خیال کردند او دعوت به خودش دارد^۱.
 وحید بهبهانی گفته است: درباره او تجلیل‌های فراوانی در عبارات علما و روایات آمده است و آنچه در مذمت او آمده است حمل بر تقیه می‌شود^۲.
 نجاشی این چنین می‌گوید: زید دارای مسندی بود که روایاتی را در آن جمع‌آوری کرده بود. این روایات را از پدرش علی بن الحسین، از پدرش حسین بن علی، از پدرش علی بن ابی طالب و ایشان از رسول خدا ﷺ نقل کرده است. این روایات برای اولین بار به وسیله عبد‌العزیز بن اسحاق بغدادی جمع‌آوری شد، و ابو خالد واسطی که اسم او عمرو بن زید است این مجموعه را نقل کرده است. شاید مراد نجاشی در کتاب فهرست خود در ترجمه عمر بن خالد که فرموده است: «عمرو بن خالد أبو خالد الواسطي عن زید بن علي له كتاب كبير رواه عنه نصر بن مزاحم المنقري وغيره أخبرنا محمد بن عثمان، قال حدثنا علي بن محمد بن الزبير عن علي بن الحسين بن فضال بن نصر بن مزاحم عنه بكتابه»^۳ همین المسند باشد که نجاشی به آن طریق دارد؛ چون در مقدمه المسند چاپ مصر آمده است که کتاب المسند را از ابو خالد عمرو بن خالد واسطی، نصر بن مزاحم و حسین بن علوان کلبی روایت کرده‌اند^۴.
 نجاشی حسین بن علوان کلبی را مطرح کرده است و او را عامی شمرده است، ولی برادر او یعنی حسن بن علوان کلبی را ثقه دانسته است^۵. در مقدمه المسند آمده است که عزالدین بن الحسن یکی از علمای زیدیه گفته است که مجموع فقهی، در نزد اهل

۱. الارشاد، ج ۲، ص ۱۷۱.

۲. منتهی المقال، ج ۳، ص ۲۹۱.

۳. رجال نجاشی، ص ۲۸۸.

۴. المسند، المقدمة، ص ۱۱.

۵. رجال نجاشی، ص ۱۱۶/۵۲.

بیت رضوان الله تعالى عليهم مورد قبول است و آن اولین کتاب فقهی است که تألیف شده است.

و نیز در مقدمه یاد آور شده است که تعداد روایات نبویه مرفوع - که سند آن از طریق زید بن علی بن الحسین، از پدرش امام سجاد علیه السلام، از پدرش حسین بن علی بن ابی طالب، از پدرش علی بن ابی طالب، از رسول خدا صلی الله علیه و آله (حدیث مرفوع در نزد اهل سنت) می‌باشد - دویست و بیست و هشت حدیث است، و اخبار علویه مروی از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام سیصد و بیست حدیث و از حضرت امام حسین علیه السلام دو روایت می‌باشد.

این مجموعه را علامه حسین بن یحیی بن ابراهیم دیلمی - متوفای ۱۲۰۱ هجری قمری - مبوب ساخته است، چون احادیث آن ترتیب خاصی نداشته، و به سبک مسند بوده است. مشکل مسندها همین است که نظم خاصی ندارد، گاهی باعث تکرار هم می‌شود - مثل مسند احمد بن حنبل (۲۴۱ق) که حدیث: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» در آن چهل بار تکرار شده است - اما در چاپ اخیر مصحح آن ترتیب و تبویب جدیدی ارائه داده است و مجموع احادیث این مسند پانصد و پنجاه حدیث می‌باشد. ضمناً منظور از اهل بیت در اصطلاح زیدیه ائمه علیهم السلام تا امام سجاد علیه السلام و پس از ایشان زید بن علی بن الحسین و علمای زیدیه‌اند که علم داران مذهب زیدیه بوده‌اند. سلسله اتصال سند از عبد العزیز بن اسحاق بن جعفر بن الهیثم القاضی تا زید بن علی بدین گونه در ابتدای المسند آمده است:

حدَّثني عبد العزيز بن إسحاق بن جعفر بن الهيثم القاضي البغدادي، قال: حدَّثنا أبو القاسم علي بن محمد النخعي الكوفي، قال: حدَّثنا سليمان بن إبراهيم بن عبيد المحاربي، قال: حدَّثني نصر بن مزاحم المنقري العطار، قال: حدَّثني إبراهيم بن الزبر قال التيمي، قال: حدَّثني أبو خالد الواسطي، قال: حدَّثني زيد بن علي بن الحسين،

عن جدّه الحسین بن علی بن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام قال...^۱
روشن باشد که مسند امام زید اولین مسند می‌تواند باشد، ولی اولین کتاب و
تألیف نیست، چون قبل از آن امیرالمؤمنین علی علیه السلام و اصحاب امیرالمؤمنین
علی علیه السلام کتاب‌هایی داشته‌اند.

زید بن علی بن الحسین، تفسیر قرآن را نیز از حضرت زین العابدین علیه السلام نقل کرد
و او اولین کسی بود که غریب القرآن نوشت. البته قبل از او برخی لغات را نافع بن
الازرق از عبدالله بن عباس سؤال کرده بود که با عنوان «أسئلة نافع بن الأزرق» چندین
چاپ از آن به بازار آمده است، ولی کتاب جاودانه، معروف و بزرگ غریب القرآن از
آن زید بن علی بن الحسین شهید در سال ۱۲۱ق است و کتاب ابان بن تغلب بعد از آن
می‌باشد اگرچه علامه سید حسن صدر ۱۳۵۳ق در کتاب تأسیس الشیعه اولین
نویسنده غریب القرآن را ابان بن تغلب شمرده است، ولی استاد جلالی در مقدمه
غریب القرآن زید بن علی به این مطلب اشاره کرده است.

زید جایگاه ویژه‌ای در نزد ائمه علیهم السلام داشته‌اند، بنابراین روایاتی که در مذمت
زیدیه وارد شده‌اند، باید توجیه شوند؛ همان‌طور که مرحوم آیه الله خوئی و وحید
بهبهانی توجیه کرده است.

زید دومین انشعاب در شیعه بود که پس از کیسانیه بوجود آمد. کیسانیه معتقد
بودند که محمد بن الحنفیه امام بعد از حسین بن علی بن ابی طالب و مهدی موعود
است و اکنون زنده است و در کوه رضوی زندگی می‌کند و برای او شیر و عسل از
ناحیه خداوند می‌آید.

در کتاب اصول کافی مرحوم ثقة الاسلام کلینی روایتی از امام صادق علیه السلام درباره
زیدیه نقل می‌کند: «لا تزال الزیدیة لکم وقاءً أبداً».

۱. مسند الامام زید، ص ۴۸.

به هر حال در بین علمای رجال و راویان اسناد، احادیث زیدیه وجود دارد، و با اصحاب ما هم صحبت و هم کلام بوده‌اند. ابو الجارود که بخشی از روایات کتاب تفسیر القمی را روایت کرده است زیدی و ثقه است. برخی از مشایخ نجاشی زیدی بوده‌اند. و نیز الناصر بالله جدّ مادری سید مرتضی زیدی بوده است؛ سید مرتضی علم الهدی کتاب الناصریات را در بررسی و تحقیق کتاب جدش نوشت.

زیدیه در فقه از فقه احناف پیروی می‌کنند. علامه شوکانی (۱۲۵۰ق) یمنی از اکابر علمای زیدیه است، و کتاب نیل الأوطار فی شرح منتقى الأخبار و فتح القدیر در تفسیر قرآن از آثار معروف وی است.

نکته قابل توجه آن است که مسند زید بن علی مورد توجه علمای شیعه نبوده است و آن را در مصادر روائی دست دوم خود هم قرار نداده‌اند. از جمله مرحوم میرزا حسین نوری (۱۳۲۰ق) آن را از جمله مصادر روائی کتاب المستدرک علی وسائل الشیعه قرار نداده است، در حالی که کتاب دعائم الاسلام قاضی نعمان مصری را یکی از مصادر آن قرار داده است و علمای شیعه مکرر به روایات دعائم الاسلام به عنوان مؤید تمسک کرده‌اند. علما درباره فقه الرضا سخن بسیار دارند، ولی درباره مسند، زید سخن ندارند و بحثی در نقد و ردّ و قبول و پذیرش آن ندارند.

البته اشکال کتاب این است که برخی روایات آن طبق منقولات اهل سنت می‌باشد، از جمله اولین حدیث مسند زید که درباره وضو است و در آن حدیث آمده است: «و غسل رجلیه»؛ رسول خدا ﷺ پاهایش را شست، که البته توجیه دارد.

حدیث در دوران صادقین علیهم‌السلام

پس از عصر امام سجّاد علیه‌السلام، دوران امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام دوران شکوفائی و نگارش حدیث به شمار می‌رود. در این دوران ده‌ها کتاب و رساله در موضوعات

مختلف تألیف شد. محدّث عاملی در خاتمۀ وسائل و بحرانی در مقدّمۀ حدائق، از شیخ مفید نقل کرده‌اند که اصحاب ائمه در این دوران در ده‌ها موضوع کتاب و رساله تدوین کرده‌اند؛^۱ از جمله محمّد بن قیس (۱۱۴هـ) از اصحاب امام باقر علیه السلام کتاب قضایای امیرالمؤمنین علیه السلام را در این دوره تألیف کرد.

علامه خوانساری (۱۳۵۹هـ ق) در مقدمه کشف الاستار آورده است:

«عدد رجال و روایاتی که در فهرست نجاشی نقل شده هزار و دویست و شصت و پنج نفر است که دو تن از آن‌ها زن بوده و هر دو مؤلف کتاب می‌باشند. تعداد کتاب‌هایی که از راویان در این فهرست ذکر شده است چهار هزار و ششصد و شصت و یک نسخه می‌باشد. حال آن که برخی از افراد این فهرست، اثری نداشته‌اند. این آثار که نجاشی آن‌ها را ذکر کرده است، فقط منحصر به تعدادی است که وی از آن اطلاع داشته است. به عنوان مثال در این میان کسی هست که عدد آثار او حدوداً به پانصد جلد می‌رسد و نجاشی تعدادی از آن‌ها را اسم برده است. قطعاً مؤلفین امامیه منحصر به فهرست نجاشی نمی‌باشند، بلکه آنچه که وی ذکر کرده، نمونه‌ای از آثار شیعیان است.

برخی از دشمنان شیعه گفته‌اند که امامیه آثار و تألیفات علمی ندارند مگر مصباح شیخ طوسی و ادعیه‌ای که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده‌اند. «وفیما ذکرنا کفایة للمنصف القابل والعذر عند کرام الناس مقبول».^۲

۱. الذریعه الی تصانیف الشیعه ج ۲ ص ۱۲۵؛ اصول علم الرجال (داوری) ص ۲۶۰.

۲. کشف الاستار، ج ۱، ص ۶.